

شاخص‌های ارزیابی معلمان از منظر فقه تربیتی*

محسن داودآبادی فراهانی**

جواد ابراهیمی***

محمد مهدی ایمانپور سردرودی****

چکیده

نظام تعلیم و تربیت به عنوان رکن حیاتی جامعه، در مسیر رشد و تعالی خود به سمت اهداف تعیین شده در حرکت است. یکی از عناصر نظام آموزش و پرورش، «معلم» است که دارای اثرگذاری خاص و نقش کلیدی در این نظام است. نظر به اهمیت نقش معلمان در نظام آموزشی و تأثیرات آن بر افراد جامعه، شناسایی ملاک‌های ارزیابی معلمان ضروری می‌نماید. هدف اصلی این پژوهش، بررسی بایسته‌های ارزیابی معلم از منظر فقه اسلامی است. پرسش اصلی این است که از نظر فقه، چه ملاک‌هایی در ارزیابی معلمان باید مورد توجه قرار گیرد؟ روشی که تحقیق حاضر از آن بهره می‌گیرد، روش تحلیلی-اجتهادی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است شاخص‌های ارزیابی معلمان در سه بعد «عقیدتی»، «اخلاقی» و «مهارتی» قابل ارائه است. در بعد عقیدتی، شاخص مهم ارزیابی معلم از منظر فقه اسلامی، سلامت عقیده است. این ویژگی در مورد معلمان معارف اسلامی و مربیان پرورشی موکد است. هم‌چنین از دیگر معیارهای ارزیابی معلمان (از نگاه اخلاقی) می‌توان به سلامت

* تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۴/۱۷. این مقاله با حمایت بنیاد علمی ایران از طرح شماره ۴۰۳۵۴۴۱ تدوین شده است.

** دکتری فقه تربیتی جامعه المصطفی ص العالمیه و مدرس حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

j.ebrahimi@cfu.ac.ir

*** گروه علمی معارف، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

mraur1300@gmail.com

**** دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم، قم، ایران.

اخلاقی و عدم فساد و نیز تواضع، اشاره کرد. شاخص‌های ارزیابی مهارتی معلمان از منظر فقه، شامل رعایت عدالت بین دانش‌آموزان و عدم کتمان علم است. واژگان کلیدی: معلم، شاخص‌های ارزیابی، سلامت عقیده، سلامت اخلاقی، عدالت، تواضع، کتمان علم.

۱. مقدمه و بیان مسأله

یکی از نظام‌های مهم تشکیل شده در یک اجتماع که اثر حیاتی در رشد و پیشرفت آن دارد، نظام تعلیم و تربیت است، که هدف آن آموزش و تربیت عمومی است. هر نظام آموزشی و تربیتی دارای ابعاد گسترده‌ای بوده و شامل عناصر مختلفی از قبیل برنامه درسی، روش‌های آموزشی، معلم، دانش‌آموز، شیوه ارزش‌یابی و... می‌شود (کافمن و هرمن، ۱۳۸۷: ۴۵). عنصر معلم به عنوان یکی از ارکان نظام تعلیم و تربیت، نقش کلیدی در به‌ثمر رسیدن اهداف آن دارد. از میان عناصر آموزش و پرورش، شاید هیچ‌یک هم‌سنگ و هم‌طراز «معلم» نباشند، چرا که کارآمدی عناصر دیگر در گرو اراده، دانش و فهم معلم است. بنابراین، لازم است معلم با داشتن ویژگی‌ها و توانایی‌های خاصی، صلاحیت ورود به عرصه تعلیم و تربیت را پیدا کند (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۹۷).

این تحقیق، بر آن است که شاخص‌های ارزیابی معلم را از منظر فقه تربیتی بررسی و تبیین کند. در قانون گزینش کارکنان دولت (مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۴/۰۶/۱۴)، به‌گونه مختصر به ملاک‌ها و ضوابط عمومی گزینش اشاره شده که به‌طور طبیعی این معیارها نه تنها در ابتدای ورود کارکنان و از جمله معلمان لازم است احراز شود، بلکه در ادامه هم‌کاری آن‌ها و ارزیابی‌های مستمر سالانه و دوره‌ای نیز باید لحاظ شود، اما مهم‌تر، آن‌که طبق ماده ۸۱ قانون خدمات کشوری در ایران: «دستگاه‌های اجرایی مکلفند براساس آیین‌نامه‌ای که با پیشنهاد سازمان به‌تصویب هیئت وزیران می‌رسد، با استقرار نظام مدیریت عمل‌کرد مشتمل بر ارزیابی عمل‌کرد سازمان، مدیریت و کارمندان، برنامه‌های سنجش و ارزیابی عمل‌کرد و میزان بهره‌وری را در واحدهای خود به‌مورد اجرا گذاشته و ضمن تهیه گزارش‌های نوبه‌ای و منظم، نتایج حاصل را به سازمان گزارش نمایند (<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/130021>).

بنابراین، با نظر به وجود تکلیف قانونی برای ارزیابی کارکنان، هر دستگاه، متناسب با نیازمندی‌های

آن بررسی و تبیین بیشتر بایسته‌های ارزیابی معلمان از منظر تعالیم اسلامی که نظام جمهوری اسلامی بر مبنای آن تعالیم پایه‌ریزی شده، لازم است. از آن‌جا که دانش فقه اسلامی به عنوان علم بررسی و تعیین احکام شرعی و فقه تربیتی به‌عنوان یکی از شاخه‌های این دانش، شناسایی وظایف مکلفان در عرصه تعلیم و تربیت را به‌عهده دارد (اعرافی، علی‌رضا، ۱۳۹۵: ۳۵). با توجه به اهمیت جایگاه معلمان در نظام آموزشی، شناسایی ملاک‌های ارزیابی معلمان از منظر فقه و تعیین حکم شرعی فعل مسئولان مربوطه در وزارت آموزش و پرورش ضروری می‌نماید. بنابراین، همان‌گونه که تبیین شد، مساله اصلی در تحقیق پیش‌رو، بررسی فقهی بایسته‌های ارزیابی معلم از منظر اسلام است که با روش تحلیلی و استنباط اجتهادی بررسی و تبیین می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

ارزیابی، در لغت به‌معنای عمل یافتن ارزش هر چیز (دهخدا، ۱۳۷۸: ۱۳۵۴) و نیز، به‌معنای بهای چیزی را معین کردن، معنا شده است (عمید، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۳۲). اولین تعریف ثبت شده از ارزیابی به نام رالف تایلر است. وی ارزیابی را وسیله‌ای جهت سنجش میزان رسیدن برنامه به اهداف می‌داند. در این تعریف، اهداف به‌تغییرات مطلوب اشاره می‌کند که انتظار می‌رفت در اثر اجرای یک برنامه آموزشی در رفتار فراگیران حاصل آید (سلطانی، ۱۴۰۰: ۳۵). در ابتدا اشاره کوتاهی به دیدگاه‌های متفاوت موافق و مخالف درباره جایگاه اصل ارزیابی جامع، مناسب است. مخالفان ارزیابی بر این اعتقادند: تمرکز بیش از حد بر ارزیابی عقیدتی و سیاسی، می‌تواند باعث غفلت از ملاحظه سایر صلاحیت‌های مورد نیاز حرفه‌ای و تخصصی داوطلبان معلمی شود. هم‌چنین تلاش نهاد ارزیابی کننده درباره کشف اعتقادات و افکار داوطلبان، آن‌ها را به تفتیش عقاید می‌کشاند. افزون بر این علی‌رغم تلاشی که برای در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی و اعتقادی معلمان انجام می‌شود، اما میان معلمان و سایر شاغلان تفاوت معناداری از ناحیه التزام سیاسی و عقیدتی وجود ندارد. چه‌بسا مشکلات بیشتری در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. هم‌چنین، هدف از ارزیابی، ایجاد یک سیستم اداری اخلاقی، کارآمد و سالم و خدمت‌گزار به مردم بوده است، اما آنچه در عمل اتفاق افتاده، شکل‌گیری یک

سیستم اداریِ ناکارآمد، رانتی و متشکل از پرسنلی ناراضی و منتقد دولت به وجود آورده است. در مقابل این دیدگاه می‌توان چنین گفت دلایل مورد اشاره آسیب‌هایی است که بر اجرای نادرست اصل ارزیابی در جامعه وارد است، اما اعمال اصل ارزیابی امروزه در تمام جوامع از ناحیه متصدیان امور، در سطوح مختلف به عنوان شیوه عقلایی و متعارف پذیرفته شده است که برای آن سازوکارها و ضوابط لازم در چارچوب اهتمام به تحقق اهداف و سیاست‌های نظام‌های حکومتی مختلف در نظر گرفته شده است.

بررسی اجمالی تعالیم اسلامی نشان می‌دهد که برای معلم ویژگی‌های خاصی برشمرده شده و به نظر می‌رسد برخی از این ویژگی‌ها در ارزیابی معلم کاربرد بیشتری داشته و یا تبیین خاصی را می‌طلبد که در این تحقیق (با استفاده از نظر خبرگان و اساتید موضوع)، مورد بررسی فقهی قرار می‌گیرد. در ادامه، پس از اشاره‌ای به روش و پیشینه پژوهش‌های انجام شده در این موضوع، معیارهای ارزیابی معلم در ابعاد مختلف عقیدتی، اخلاقی و مهارتی ذیل چند عنوان اصلی برشمرده و پس از ذکر دلایل قرآنی و روایی، ذیل هریک از معیارها حکم فقهی آن‌ها بیان می‌شود.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی، از حیث منبع تحقیق کتابخانه‌ای و از حیث روش اجتهادی است. روش اجتهادی، تلاش برای استنباط احکام از منابع اصلی تعالیم اسلامی یعنی قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام (و نیز عقل و اجماع) است. در این روش با استفاده از دلالت‌های لفظی و غیر لفظی، مقصود شارع از بیانات او استخراج شده و وظایف مکلفان نسبت به این مقصود، مورد بررسی قرار می‌گیرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۳: ۵). در این مقاله، پس از مباحث مقدماتی، نوبت به جست‌وجوی ادله و گزاره‌های مرتبط در منابع اصلی فقه (نسبت به ویژگی‌های لازم برای انتخاب معلمان) می‌رسد. در نهایت پس از تبیین هر یک از ادله، به دلالت‌های آن در عرصه انتخاب معلم اشاره می‌شود.

۴. پیشینه پژوهش

در موضوع ارزیابی معلمان پژوهش‌هایی انجام شده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

وقور کاشانی و هم‌کاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «طراحی و اعتباریابی مدل مفهومی ارزش‌یابی صلاحیت‌های حرفه معلمی در ایران» به این موضوع پرداخته‌اند. نتایج تحقیق، نشان داد مؤلفه‌های ارزش‌یابی از صلاحیت‌های حرفه معلمی، شامل شش مؤلفه اصلی، و بیست و شش زیرمؤلفه، مشتمل بر شصت‌وسه مفهوم کلی، و دویست و شصت‌وسه مفهوم خرد است. مدل طراحی شده، دارای چهار وجه مبانی فکری، برنامه راهبردی، برنامه نظام‌مند اجرا، نتایج قابل دستیابی ارزش‌یابی و مرکز ثقل آن، فرهنگ ارزش‌یابی است.

نویدی‌نیا و هم‌کاران (۱۳۹۴)، به تحقیق درباره «طراحی شناسایی ملزومات و اجزای الگوی برای ارزش‌یابی معلمان زبان انگلیسی، در دبیرستان‌های ایران» پرداخته و اذعان داشتند که دستیابی به اهداف آموزشی، مستلزم وضع سیستم ارزش‌یابی سیستماتیک و علمی است. در این پژوهش پس از شناسایی و در نظر گرفتن ملزومات طراحی الگوی ارزش‌یابی معلمان الگوی جدیدی برای ارزش‌یابی عمل‌کرد معلمان زبان انگلیسی ارائه شد. برای شناسایی ملزومات و طراحی الگوی مورد نظر، پیشینه مربوط به ارزش‌یابی معلمان و تدریس موثر، ملزومات اسناد آموزشی کشور و نظرات معلمان و کارشناسان مربوط، مورد جست‌وجو و بررسی قرار گرفتند.

دانش‌پژوه و فرزاد (۱۳۸۵)، پژوهشی با عنوان «ارزش‌یابی مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی» انجام دادند. ۴۵ نفر از مدیران مدارس ابتدایی به پرسشنامه‌هایی که برای نظرخواهی از آنان در مورد چگونگی مهارت معلمان در تدریس تدوین شده بود، پاسخ دادند. کلاس‌های درس ۴۵ نفر از معلمان نیز سه بار مشاهده و ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فعالیت‌های آموزشی کلاس درس، به هدف‌های مهارتی، کم‌تر از هدف‌های دانشی و نگرشی توجه شده است. معلمان مورد مطالعه در کلیات تدریس از مهارت نسبی برخوردارند، اما در اجزای مهم تدریس با برخی نارسایی‌های جدی مواجهند.

هم‌چنین بررسی فقهی بایسته‌های معلم در موارد زیر صورت گرفته است:

واعظی و مودنی (۱۳۹۳)، به تبیین شمول قواعد فقه اسلامی پیرامون حقوق معلم و متعلم به‌روش توصیفی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش با استناد به هفده قاعده فقهی، اشاره به این حقوق از منظر قواعد فقه اسلامی دارد.

جلد هفتم کتاب فقه تربیتی تألیف علی رضا اعرافی با توجه تقسیم آداب به آداب مشترک معلم و دانش آموز و آداب مختص هر یک، تنها آداب مشترک را به بحث گذاشته است. هم چنین با تقسیم آداب مشترک به آداب و ویژگی های شخصیتی و آداب مهارتی، تلاش کرده شماری از آداب فضای تعلیم و تعلم را از منظر فقه تربیتی بررسی کند.

مزیت تحقیق حاضر، بررسی فقهی بایسته های انتخاب معلمان با روش تحلیلی و استنباط اجتهادی است که تحقیقی مشابه آن یافت نشد.

۵. شاخص های ارزیابی معلمان

پس از بررسی ادله و جست و جو در منابع فقهی، مهم ترین معیارهای ارزیابی معلمان در سه بعد عقیدتی، اخلاقی و مهارتی استخراج شده که در ادامه تبیین می شود.

۵/۱. شاخص عقیدتی (سلامت عقیده)

اساس اسلام، ایمان و عقیده اسلامی است که بر اساس معارف اسلامی مبتنی بر شهادت به گانگی خداوند و تصدیق نبوت خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) است. ایمان و اعتقاد به خداوند مرز شرک و کفر و دینداری است.

سلامت عقیده در اساتید علوم دینی بخاطر اهمیت و تأکیدی که در روایات بر آن شده بصورت مجزا از اساتید علوم غیر دینی در دو بخش مورد بررسی قرار می گیرد:

۱-۱-۵- سلامت عقیده در معلمان معارف اسلامی (ایمان به خدا و نبوت و ولایت)

۱-۱-۵- روایت اول:

مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقَلَ مِنْ كِتَابِ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قُلْتُ لَهُ: إِنَّا نَأْتِي هَؤُلَاءِ هَؤُلَاءِ الْمُخَالِفِينَ فَنَسْمَعُ مِنْهُمْ الْحَدِيثَ فَيَكُونُ حُجَّةً لَنَا عَلَيْهِمْ. قَالَ فَقَالَ: لَا تَأْتِيهِمْ وَ لَا تَسْمَعُ مِنْهُمْ؛ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ لَعَنَ مِلْلَهُمُ الْمُشْرِكَةَ؛ (وسائل الشيعة ج ۲۱ ص ۴۷۷) راوی به امام صادق (ع) عرض کرد: ما نزد مخالفان شما می رویم و احادیثی از آنان می شنویم و با آن مطالب حجتی علیه آنان می یابیم؛ امام (ع)

فرمودند: نزد آنان نروید و از آنان نشنوید! خدا آنان و ملت مشرک آنان را لعنت کند!

سند این روایت، صحیح است؛ زیرا ابان بن عثمان احمر و هارون بن خارجه صیرفی، هر دو امامی ثقة‌اند. به‌گونه خلاصه روایت می‌خواهد بگوید که تعالیم دینی را از غیر شیعه نیاموزید.

۲-۱-۱-۵- روایت دوم:

و [محمد بن عمر الکشی فی کتاب الرجال] عَنْ حَمْدَوَيْهِ وَ إِبْرَاهِيمَ ابْنِي نَصِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَبِيبٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ السَّائِي قَالَ كَتَبَ إِلَى أَبِوَالْحَسَنِ (ع) وَ هُوَ فِي السَّجْنِ وَ أَمَا مَا ذَكَرْتَ يَا عَلِيُّ مِمَّنْ تَأْخُذُ مَعَالِمَ دِينِكَ لَا تَأْخُذَنَّ مَعَالِمَ دِينِكَ عَنْ غَيْرِ شِيعَتِنَا ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ۸۲) راوی می‌گوید: امام کاظم (ع) در نامه‌ای که از زندان برایم ارسال فرمود، چنین نگاشت: «اما درباره این که پرسیده بودی معالم دینت را از چه کسی بگیری، بدان که از غیر شیعه نباید دریافت کنی.» ...!

این روایت، ضعیف‌السند است؛ زیرا محمد بن اسماعیل رازی و علی بن حبیب مدائنی، توثیق ندارند.

۳-۱-۱-۵- روایت سوم:

رجال الکشی: جبرئیل بن أحمد، عن موسى بن جعفر بن وهب، عن أحمد بن حاتم بن ماهويه قال: كتبت إليه يعني أبا الحسن الثالث عليه السلام أسأله عن أخذ معالم ديني؟ وكتب أخوه أيضا بذلك، فكتب إليهما: فهمت ما ذكرتما، فاعتمدا في دينكما على مسن في حنبا و كل كثير القدم في أمرنا، فإنهم كافوكما إن شاء الله تعالى (همان). سند این روایت مقبول بوده و روایان آن در کتب رجالی توثیق و توصیف دارند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۶۸ و ج ۲۰: ۳۷).

در بیان و توضیح روایات فوق باید گفت که برای معلم تعلیمات دینی در روایات ما شرط شده که از مذهب ما باشد. یعنی معلم دینی باید از لحاظ عقیدتی سالم باشد. امیرالمومنین (ع) نیز روی این موضوع تأکید دارند: «یا کمیل لا تأخذ الا عنا تکن منا؛ اگر تو می‌خواهی از ما باشی از غیر ما نگیر» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۹۱). به این معنا است که از هر جا علم و دینت را کسب کردی، به آنجا متمایل می‌شوی (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۴۵). در سیره و فرمایشات علمای دین نیز

اهتمام خاصی به شخصیت معلم و عقاید او دیده می‌شود، به‌ویژه ایشان تأکید دارند که در تعلیم علوم دینی خوف اضلال افراد می‌رود و لازم است از معلم صحیح العقیده استفاده شود (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۰۶). بنابراین، با توجه به آنچه در روایات ذکر شد و سیره علما، اعتقاد صحیح به دین مبین اسلام، در ارزیابی معلمان دینی و مربیان معارف اسلامی لازم است، منظور شود.

۲-۱-۵- سلامت عقیده نسبت به عموم معلمان (علوم غیر دینی)

با توجه به روایات و تعلیم فقهی ما، یک ملاک مهم در انتخاب معلم میزان تاثیرگذاری معلم در تمایلات دینی و اخلاقی افراد بوده است. هم‌چنین دو قاعده فقهی مهم و کاربردی در این زمینه، «قاعده حرمت اضلال» و «قاعده حرمت اعانه بر اثم» است. توجه به سلامت (و عدم فساد) عقیده در معلم، به این دلیل است که زمینه‌سازی برای اضلال در افراد نشود. منظور از اضلال ایجاد هر گونه انحراف در اعتقادات، اخلاق و یا رفتار متعلمین است. در جایی که قرار گرفتن یک نفر که به لحاظ عقیدتی فساد یا ضعف دارد در جایگاه معلم در تمایلات و رفتار دانش‌آموزان اثر منفی داشته و حتی خوف اضلال برود (امر شبهه‌ناک بوده)، استفاده از این چنین معلمی مرجوح است (همان: ۱۰۲).

از آن‌جا که پیامبر (ص) برای تعلیم سواد به مسلمانان از اسیرانی که بت‌پرست بودند، استفاده می‌کردند و در تاریخ نقل شده که ایشان از اسیران غزوه بدر برای تعلیم خواندن و نوشتن به یارانشان بهره برده‌اند و هر یک از اسیران اگر ده نفر را آموزش می‌دادند، آزاد می‌شدند (ابن سعد، ج: ۱: ۲۲). فعل پیامبر (ص) نشان می‌دهد که این عمل یعنی استفاده از معلم کافر، به‌گونه کلی حرام نیست و ملاک همان تاثیرگذاری و تقدم برای تمایل به کفار و اضلال مسلمانان است. یعنی در مجموع می‌توان گفت نسبت به معلم دانش‌های غیر دینی در صورتی که خوف تمایل شاگردان به مذهب او نرود، استفاده از او جایز است. به‌ویژه در علوم که نیاز مبرم جامعه اسلامی است. البته بهتر است محدود و موقت باشد. هم‌چنین در مقام انتخاب میان دو معلم که از لحاظ تخصصی مساوی هستند، معلم صحیح العقیده اولویت دارد.

البته سلامت و فساد عقیده دارای مراتب است. ممکن است معلم مسلمان ولی دارای انحرافات عقیدتی نسبت به ولایت معاد و ... باشد و ممکن است کافر مطلق باشد که به قطع در مورد معلم غیر مسلمان (کافر) این احتیاط اشد است با توجه به روایاتی که این افراد را نجس می‌داند و یا از تعامل و حشر و نشر با این‌ها نهی کرده است.

۲-۵- شاخص‌های اخلاقی

در این بخش به شاخص‌های اخلاقی ارزیابی معلمان در فقه اسلامی پرداخته می‌شود:

۱-۲-۵- سلامت اخلاقی و عدم فساد

در باب بایسته‌های معلم صفات زیادی در منابع دینی ذکر شده است. یکی از ویژگی‌های مهم مورد تأکید در روایات ما یا به عبارتی اولین و مهم‌ترین ویژگی معلم خوب، خودسازی و تهذیب نفس معرفی شده است: «وَقَالَ (ع): مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (نهج البلاغه، قصار ۷۳).

سند این روایت یافت نشد ولی نقل در کتاب شریف نهج البلاغه می‌تواند شاهی بر اعتبار مقاله باشد.

ممکن است گفته شود که شان صدور این روایات متعلق به معلمان و مربیان دینی بوده و لزوم توجه به این ویژگی‌ها در مورد ایشان است، ولی، اول این که متن روایت اطلاق داشته و شامل همه معلمان می‌شود و دوم این که به قرینه اثرگذاری و الگو بودن معلمان و اساتید همه رشته‌ها بر دانش‌آموزان و افراد تحت تعلیم خود می‌توان گفت که سلامت اخلاقی برای همه افرادی که به نحوی نقش الگویی و رهبری فکری گروهی را به عهده دارند، باید به عنوان ملاک انتخاب قرار گیرد. هرگاه معلمی از شاخص ارزش مند تقوای الهی برخوردار نباشد، چه بسا مطالب غیر مناسبی را به دانش‌آموزان تعلیم دهد که نه تنها موجب رستگاری و نجات ایشان نباشد، بلکه موجبات گمراهی ایشان را نیز فراهم نماید. لذا با توجه به اثرگذاری که اساتید بر دانش‌آموزان دارند سزاوار است در انتخاب این افراد برای جایگاه مهم تعلیم و تربیت به این

ویژگی‌ها توجه خاصی صورت گیرد (با توجه به ملاک تاثیرگذاری منفی مصاحبت معلم با متعلم (و نیز با توجه به آیه شریفه ۳۲ سوره الاحزاب که می‌فرماید: فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَيَا رَوَايَتِ وَسَائِلِ الشَّيْعَةِ، ج ۱۴، باب ۱۳۱، ح ۳ درباره ابتدا به سلام نکردن توسط امیرالمومنین ع نسبت به خانمهای جوان) می‌توان گفت که در استفاده از معلم غیر همجنس در صورتی که ضعیف‌الایمان یا جوان بوده و احتمال اثرگذاری یا اثرپذیری منفی او از مصاحبت با نامحرم زیاد باشد لازم است احتیاط صورت گیرد (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۱۷). از آن‌جا که معلم می‌تواند جایگاه دوست و هم‌نشین را برای دانش‌آموزان و متعلمین خود ایفا نمایند و قابلیت اثرگذاری بسزایی در روحیات و رفتارهای متریان خود دارند روایاتی که تأکید بر سلامت اخلاقی و عدم فساد دوست دارند می‌تواند به‌عنوان شاهدی بر اهمیت این موضوع در معلمان باشد که به یک نمونه اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام: أَكْبَنَى أَبِي ثَلَاثٍ ... وَنَهَانِي عَنْ ثَلَاثٍ: قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ مَنْ يَصْحَبَ صَاحِبَ السَّوِّ لَا يَسْلَمْ ... (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷۶)؛ پدرم مرا به سه چیز ادب آموخت و از سه چیز نهی ام فرمود. سه نکته ادب این بود که فرمود: فرزندم! هرکس با دوست بد بنشیند، سالم نمی‌ماند.

نظر به این‌که در این روایت کلمه صاحب آمده که به معنای هم‌نشینی است و معلم نیز شامل هم‌نشین شده و حتا گاهی بیش از یک دوست عادی با دانش‌آموز هم‌نشین و همراه است و نیز به‌قرینه روایات دیگر مثل (المرء علی دین خلیله) تاثیرگذاری (ناشی از مصاحبت) بسیار مهم است روایات موکد بر سلامت دوست می‌تواند قرینه‌ای بر لزوم تأکید بر سلامت اخلاقی در ارزیابی معلمان باشد. بنابراین، با توجه به روایت اول و تعمیم آن به همه معلمان و نیز با استشهاد به مجموعه روایات مرتبط با دوست و هم‌نشین می‌توان گفت یکی از ملاک‌های کلیدی در ارزیابی معلمان، سلامت اخلاقی و عدم فساد است.

۲-۲-۵- تواضع

تواضع در اصل، به معنای فرو نهادن است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳: ۱۳۰)، و به معنای

خویش را کوچک نشان‌دادن (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۶۴)، نیز آمده است. مرحوم نراقی در تعریف تواضع می‌گوید: تواضع آن است که انسان، خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند، برتر نداند و نیز به معنای شکسته‌نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند (نراقی، ۱۳۹۶: ۳۰۰). برای تبیین این صفت از صفات بایسته معلم، می‌توان به روایت ذیل اشاره کرد: «مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَتَزَيَّنُوا مَعَهُ بِالْحِلْمِ وَالْوَقَارِ وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعْلَمُونَهُ الْعِلْمَ وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ وَلَا تَكُونُوا عُلَمَاءَ جَبَّارِينَ فَيَذْهَبَ بِاطْلَاكُمْ بِحَقِّكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۶).

در بررسی سندی این روایت باید گفت که محمد بن یحیی عطار و احمد بن محمد بن عیسی و حسن بن محبوب و معاویه بن وهب همگی ثقة هستند. پس سند روایت معتبر است.

در این راستا روایات اهمیت تواضع به‌ویژه برای اهل علم به‌عنوان شاهد اشاره می‌شود:

أ) وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سِنَانٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَعْشَرَ الْخَوَارِيزِينَ لِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ أَقْضُوها لِي قَالُوا قُضِيَتْ حَاجَتُكَ يَا رُوحَ اللَّهِ فَقَامَ فَغَسَلَ أَقْدَامَهُمْ ... فَقَالُوا كُنَّا نَحْنُ أَحَقُّ بِهَذَا يَا رُوحَ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ الْعَالِمُ إِنَّمَا تَوَاضَعْتُ هَكَذَا لِكَيْمَا تَتَوَاضَعُوا بَعْدِي فِي النَّاسِ كَتَوَاضَعِي لَكُمْ ثُمَّ قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالتَّوَاضُعِ تُعْمَرُ الْحِكْمَةُ لَا بِالتَّكْبَرِ ... وَكَذَلِكَ فِي السَّهْلِ يَنْبُتُ الزَّرْعُ لَا فِي الْجَبَلِ؛ حضرت عیسی به حواریونش گفت مرا با شما حاجتی است؟ گفتند ای پیامبر بگوی؟ عیسی فرمود می‌خواهم پای شما را بشویم و به‌اصرار شروع به‌شستن پای حواریون کرد. آن‌ها گفتند ای پیامبر خدا ما سزاوارتریم که پای تو را بشویم. فرمود: انسانیت به‌تواضع و خدمت به‌مردم است. این کار را کردم تا تواضع کرده باشم و شما هم تواضع را فرا بگیرید و در بین مردم فروتنی کنید. حکمت با تواضع رشد می‌کند نه با تکبر، چنان‌که گیاه در زمین نرم می‌روید نه در زمین سخت کوهستانی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۷).

این روایت سند معتبری دارد و در آن به معلم جهت تواضع برای شاگردان امر شده است.

جالب این است که امام علیه السلام در ابتدا تواضع للمتعلم را مطرح فرموده و سپس از تواضع للمعلم گفته‌اند (اعرافی، ۱۴۰۰: ۹۶)

ب) علی (ع): «من تواضع للمتعلمین و ذل للعلماء ساد بعلمه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۶)؛ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می‌رسد.

عبارت «تواضعوا لمن تعلمونه العلم»، دلالت بر وجوب تواضع معلم نسبت به دانش‌آموزان دارد. البته طبق روایاتی که به‌عنوان شاهد ذکر شد این امر نسبت به معلمان علوم دینی و مبلغان معارف اسلامی آکد است. بر این اساس، معلم باید با پیروی از پیامبران و امامان (ع) در برابر متعلمان خود، نرم‌خو، مهربان و متواضع بوده، از هر گونه رفتار با رنگ و بوی تکبر و خودبزرگ‌بینی و تندخویی به‌جد پرهیزد. این ملاک در ارزیابی معلمان (و هم‌چنین در آموزش و ارزیابی آن‌ها) لازم است مورد توجه قرار گیرد.

۳-۵- شاخص‌های مهارتی

از بین بایسته‌های مهارتی مهم در ارزیابی معلمان دو ویژگی رعایت عدالت بین دانش‌آموزان و نیز عدم کتمان علم در روایات مورد تأکید زیادی قرار گرفته که در ادامه بررسی و تبیین می‌گردد.

۱-۳-۵- رعایت عدالت در بین دانش‌آموزان

عدل، در لغت و اصطلاح، معانی مختلفی دارد که به‌برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «نهادن هر چیزی به‌جای خود»، «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» (معین، ۱۳۸۰، ماده عدل)، «به تساوی تقسیم کردن» (معلوف، ۱۳۸۰، ماده عدل)، «رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به‌دیگران، اگر عمل نیک است پاداش، و اگر بد است کیفر داده شود.» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۵). «عدل» به‌معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به‌کار می‌رود. از این‌رو عدل را به‌معنا «اعطاء کل ذی حقِّ حَقَّهُ» گرفته‌اند. برخی در معنای عدل توسعه داده‌اند و آن را به‌معنای «هر چیزی را در جای خود نهادن یا هر کاری را به‌وجه شایسته انجام دادن» به‌کار برده‌اند (فوادیان‌دامغانی، ۱۳۸۲: ۲۷).

عدل و ظلم، در واقع دو مفهوم ارزشی و متوقف بر ارزش یک‌دیگر هستند. ظلم ناظر به حق دیگران است اما در تعریف عدل، از حق دیگران سخن به میان نیامده ولی با توجه به این که عدل مخالف ظلم است، حق دیگران در عدل نیز دخیل است. از این رو می‌توان گفت: محققان با تحلیل مفهوم لغوی عدل و ظلم به آن رسیده‌اند و آن «وَضَعُ الشَّيْءِ فِي مَوْضِعِهِ» در مورد عدل و «وَضَعُ الشَّيْءِ فِي غير مَوْضِعِهِ» در مورد ظلم است (اعرافی، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

۲-۳-۵- ادله عام عدالت

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَابْتِئَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ نحل/سوره ۱۶، آیه ۹۰. خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد. و از فحشاء و منکر و ستم، نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد شاید متذکر شوید».

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...» (نحل/۹۰).

اعدلوا هواقرب للتقوى (مائده/۸).

امیرالمومنین علی علیه السلام در وصف بی‌زاری خود از ظلم و ستم می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَأَنْ أَيْتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهِّدًا، أَوْ أُجَزَّ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفِّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ، وَغَاصِبًا لَشَيْءٍ مِنَ الْحُطَامِ، وَكَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسِ يُسْرِعُ إِلَى الْبَلَى قَفُولُهَا، وَيُطَوِّلُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا؟!؛ سوگند به خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم، و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم. (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَظْلِمُ بِمَظْلَمَةٍ إِلَّا أَخَذَهُ اللَّهُ بِهَا فِي نَفْسِهِ وَمَالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۲)؛ هیچ کس به دیگری ستم نمی‌کند مگر این که خداوند انتقام او را در جان یا مال او خواهد گرفت.

در مورد دلالت ادله عام عدالت باید گفت که در آیات قرآن کریم با صیغه امر (اعدلوا) و

نیز ماده امر (ان الله يامر بالعدل) به رعایت عدالت به گونه عام دستور داده شده که دلالت بر وجوب دارد (اعرافى، ۱۳۹۹: ۱۳۱). روایات اهل بیت نیز در سطوح مختلف (فردی و اجتماعی) و با عبارات متفاوت (توصیفی و انشایی) به اهمیت و ضرورت رعایت عدالت اشاره داشته و همواره به نهی از ظلم و بیان عاقبت شوم ظلم به دیگران پرداخته‌اند. در مجموع از ادله قرآنی و روایی ما وجوب عدالت‌ورزی و نیز حرمت ظلم در همه عرصه‌های فردی، اجتماعی و حکومتی برداشت می‌شود.

۳-۳-۵- ادله خاص عدالت در تعلیم و تربیت

برقراری عدالت بین متعلمان و متریان به گونه خاص در روایات ما اشاره شده است:

۱-۳-۳-۵- روایت:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ» قَالَ لَيْكُنِ النَّاسُ عِنْدَكَ فِي الْعِلْمِ سَوَاءً» طلحه بن زید در تفسیر آیه «و لا تصعر خدک للناس» از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: باید همه مردم هنگام تعلیم در نزد تو مساوی باشند. یعنی باید همه مردم از لحاظ دریافت‌های علمی در دیدگاه تو، مساوی و برابر باشند و باید سهم و بهره از علم را به‌طور مساوی به آن‌ها پردازی و در میان آن‌ها تبعیض روا نداری (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱).

در بررسی سندی این روایت باید گفت که منظور از عده من اصحابنا علی بن ابراهیم است که امامی و ثقة است. با توجه به این که محمد بن خالد برقی (پدر احمد) براساس مبنای رجالی متخذ در این تحقیق از اجلاء و معتبر بوده و بقیه روات این حدیث نیز امامی و ثقة هستند در مجموع سند روایت معتبر است.

همچنین با توجه به این که پدر و معلم هر دو نقش تربیتی دارند می‌توان از روایاتی که به پدر و مادر برای رعایت عدالت بین فرزندان امر می‌کند به عنوان شاهد استفاده کرد. در ادامه به عنوان نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

أ) پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «اعدلو بین اولادکم کما تحبون ان يعدلوا

بینکم» (طبرسی، ۱۳۶۸: ۲۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۱۱۳) بین فرزندان خود به عدالت رفتار نمایند همان طور که دوست دارید دیگران با شما به عدالت رفتار کنند.

ب) در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص) آمده «ساووا بین أولادکم فی العطیه» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۹: ۲۹۰)؛ در هدیه دادن بین اولاد خود مساوی برخورد نمایید.

ت) رسول الله صلی الله علیه و آله: «اتَّقُوا اللهَ وَاعْدِلُوا فِي أَوْلَادِكُمْ» (کنز العمال، حدیث ۴۵۳۴۰ به نقل از محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۱۳: ۷۱۰۲)؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خدا بترسید و میان فرزندان‌تان به عدالت رفتار کنید.

ث) عنه صلی الله علیه و آله: «إِنَّ لَهُمْ عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ أَنْ تَعْدَلَ بَيْنَهُمْ، كَمَا أَنَّ لَكَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ أَنْ يَبْرُوكَ» (کنز العمال، حدیث ۴۵۳۵۸ به نقل از محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۱۳: ۷۱۰۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حق آنان (فرزندان) بر تو این است که میان‌شان به عدالت رفتار کنی، چنان که حق تو بر آنان این است که از تو اطاعت کنند.

ج) هم‌چنین امیرالمومنین علیه السلام در توصیه‌های خود به محمد بن ابی بکر می‌فرماید: و آس بینهم فی اللحظه و النظرة، حتی لا یطمع العظماء فی حیفک لهم، و لا ییأس الضعفاء من عدلک علیهم.

در نگاه و نیم نگاه و خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها از عدالت تو مایوس نگردند (نهج البلاغه، نامه ۲۷؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۷۷-۱۷۶).

در جمع‌بندی رعایت عدالت باید گفت پس از بررسی اجمالی ادله عام قرآنی و روایی عدالت، وجوب عدالت‌ورزی و حرمت ظلم مشخص گردید و نیز ادله خاص روایی اشاره‌ای به لزوم عدالت‌ورزی توسط معلم بین شاگردان (متربیان یا دانش‌آموزان) داشت که البته به علت قوت ادله عام بررسی دقیق دلالی و سند روایات خاص این موضوع ضرورت پیدا نکرد (داودآبادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۹۵) به گونه کلی براساس ادله و نیز براساس قول فقها و اندیشمندان اسلامی یکی از اصول تربیت اسلامی اصل عدالت است (رک: اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

به این معنا که مربی یا والدین باید بین متریان و یا فرزندان به عدالت رفتار کنند تا بتوانند بهتر و سریع تر به اهداف تربیتی خود دست یابند (حسینی زاده، ۱۳۹۵: ۲۱۹).

همان گونه که قبلاً هم اشاره شد، عدالت به دو معنا به کار رفته است: قسط و حق به حق دار دادن و مساوات. حال این سوال مطرح است که اگر عدالت از اصول تربیتی است، عدالت، به معنای قسط مراد است یا عدالت به معنای مساوات؟ یعنی آیا اصل عدالت از اصول تربیتی است یا اصل مساوات؟ اگر اصل عدالت از اصول تربیتی است، این اصل عام است، یا در فرزندان اصل دیگری به نام اصل مساوات مطرح است؟ (حسینی زاده، ۱۳۹۵: ۲۳۵؛ لشکری، ۱۳۹۵: ۱۲۶). به گونه کلی در این جا عدالت دو محور اصلی دارد که یکی از آن ها توجه به استعدادها و شایستگی های فردی و اجتماعی به عنوان یکی از فروع اصل عدالت در آموزش است. هم چنین برقراری مساوات در توزیع فرصت ها و امکانات آموزشی نیز از فروع عدالت می تواند باشد (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). مساوات تمام معنای عدالت نیست، بلکه از زیرمجموعه های آن است و در همه امور مساوات، مساوی عدالت نیست چرا که عدالت به معنای اعطاء کل ذی حق حقه است.

بر اساس فرع اول، معلم باید به استعدادهای تک تک افراد توجه نماید و در بحث تلاش برای شکوفاسازی استعدادهای دانش آموزان شایستگی های فردی و میزان تلاش افراد مدنظر قرار گیرد. به عبارت دیگر، معلم بایستی بتواند شرایط لازم را برای به کارگیری حداکثر استعدادهای دانش آموزان در رشد و ارتقای تحصیلی و... فراهم نماید (ترکاشوند و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵).

فرع دیگر عدالت معلم، برخورداری همه دانش آموزان از محبت و توجه عمومی معلم است. یعنی بر معلم واجب است در جریان تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به همه دانش آموزان به عنوان متریان خود به یک چشم نگاه کنند و شرایط تربیت را به گونه ای فراهم کنند تا همه متریان بتوانند حداکثر استعدادهای خویش را شکوفا سازند. البته این وجوب برای معلم دولتی که از بیت المال ارتزاق می کنند آکد است، چرا که معلم به عنوان کارگزار نظام اسلامی باید وقت و توان علمی خود را عادلانه بین دانش آموزان تقسیم نماید.

۴-۳-۵- عدم کتمان علم

کتمان، در لغت به معنای مخفی سازی و پوشاندن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۵۷). به گونه‌ای که نقیض اعلان دانسته شده است (فراهدی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۳۴۳)؛ هم‌چنین در تعریف کتمان می‌توان گفت: کتمان در مقابل ابداء و آشکار ساختن است یعنی مخفی کردن آنچه در درون و قلب است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۲۳).

در تعالیم دینی به موضوع کتمان علم اشاره شده و مورد نهی قرار گرفته است. در ادامه به برخی از روایات این موضوع اشاره می‌شود:

(أ) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَامَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَظِيْبًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَحْدُثُوا الْجُهَالَ بِالْحِكْمَةِ فَتُظْلِمُوَهَا وَلَا تَمْنَعُوَهَا أَهْلَهَا فَتُظْلِمُوهُمْ» امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی عیسی بن مریم علیه السلام بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داده و گفتند: ای بنی اسرائیل با جاهلان با حکمت سخن نگوئید که به حکمت ظلم می‌کنید و حکمت را از اهل آن منع نکنید که به اهل حکمت ظلم می‌کنید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۲).

(ب) رسولُ الله - (ص): «تَنَاصَحُوا فِي الْعِلْمِ، وَلَا يَكْتُمُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا؛ فَإِنَّ خِيَانَةَ فِي الْعِلْمِ أَشَدُّ مِنْ خِيَانَةِ فِي الْمَالِ؛» در علم با یک‌دیگر یکرنگ باشید و دانش خویش را از هم پنهان مدارید؛ زیرا خیانت در علم، بدتر از خیانت در مال است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۶۲).

(ت) «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا نَافِعًا أَلْجَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ؛» هر که علم سودمندی را کتمان کند خداوند در روز قیامت لگامی از آتش به او می‌زند» (مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۷۸).

(ث) «ان الله لم ياخذ على الجاهل عهدا بطلب العلماء عهدا يبذل العلم للجهال لان العلم قبل الجهل» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۱).

(ج) «ما اخذ الله على الجاهل ان يتعلموا حتى اخذ على العلماء ان يعلموا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۷۸)؛ علی علیه السلام می‌فرماید: خدا از جاهلان برای آموختن پیمان نگرفته تا این‌که از علماء پیمان گرفته که به دیگران بیاموزند. روایاتی که زکات علم را آموزش به دیگران می‌دانند نیز می‌تواند به عنوان شاهد باشد. مثل این روایت: زکاه العلم ان تعلمه عباد الله (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۱).

در جمع‌بندی دلالتی آیات و روایات حرمت کتمان چند نکته شایان ذکر است:

أ) در آیات ۱۷۴ سوره شریفه بقره و روایت مذکور مانند: «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا أَلْجَمَهُ اللَّهُ بِلِجَامٍ مِّنَ النَّارِ» (جبل عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳۶) به کسانی که آیات الهی را کتمان می‌نمایند، وعده عذاب داده شده و مورد لعن و نفرین خداوند قرار دارند. لعن مفید حرمت است و نشانگر آن است که فعل کتمان کنندگان گناه کبیره است. در نتیجه، وجود نهی صریح در آیات و روایات و وعده عذاب الهی در آن‌ها، دلالت بر حرمت کتمان علم دارد. البته با توجه به تناسب حکم و موضوع چنین عذابی متعلق به کتمان آیات الهی و معالم دین است و یا علمی که احقاق حق مهمی به آن رهین باشد و بعید است که کتمان علوم غیر مهم چنین عذابی را در پی داشته باشد. هم‌چنین می‌توان گفت که به‌میزان اهمیت و جایگاه هر علمی عذاب کتمان آن دارای مراتب مختلفی است.

ب) در آیات قرآن کریم حق (حقیقت) و نیز هر آنچه از آیات و بینات نازل شده توسط خداوند در کتاب‌های آسمانی متعلق حرمت کتمان است. بنابراین، موضوع این حکم به علوم دینی و معارف الهی برمی‌گردد. هرچند کلمه حق اطلاق دارد اما به‌قرینه آیات دیگر می‌تواند فهمید حقایق مرتبط با آن‌ها مربوط می‌شود.

ت) نهی در روایات کتمان علم اطلاق دارد و شامل هر عالم دارای هرگونه علمی می‌شود بنابراین، این نهی شامل معلم در رشته‌های مختلف می‌شود. یعنی جایز نیست معلم، علوم خود را از دانش‌آموزان (کسانی که اهلیت دارند) کتمان کنند و لازم است در حد وسع خود آخرین یافته‌های علمی خود را به دانش‌آموزان ارائه دهند.

ث) کتمان علم دو نوع است ابتدایی و در مقام پاسخ. اطلاق آیات و روایت حرمت کتمان هر دو نوع را شامل می‌شود. زیرا خداوند از اهل کتاب (در این جا شامل مسلمانان هم می‌شود) بر تبیین و عدم کتمان کتاب الهی میثاق گرفته است (مولودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

ج) وجوب اظهار حق، نسبت به روش‌های رسمی و غیر رسمی، مستقیم و غیر مستقیم، اظهار با ابزار و بدون آن و نیز نسبت به بهره‌وری از تدریس، تبلیغ و ... شمول دارد. البته ادله حرمت کتمان نسبت به تعلیم جاهل اخص است و لزوماً وجوب تعلیم جاهل در همه موضوعات را اثبات نمی‌نمایند. قدر متیقن از وجوب تعلیم جاهل، اعتقادات واجب و احکام

الزامی و آیات قرآنی است. ولی با توجه به روایات شامل موارد دیگر هم می‌تواند باشد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این تحقیق شاخص‌های ارزیابی معلم از منظر فقه اسلامی با روش تحلیلی - اجتهادی مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی منابع اسلامی در موضوع پژوهش این نتیجه حاصل شد که شاخص عقیدتی ارزیابی معلم از منظر تعالیم اسلامی سلامت عقیده است البته این ویژگی در مورد معلمان دروس معارف اسلامی و مربیان پرورشی دارای تأکید بیشتری است. هم‌چنین شاخص اخلاقی ارزیابی معلمان، سلامت اخلاقی و عدم فساد و نیز تواضع، است. از لحاظ مهارتی شاخص ارزیابی؛ رعایت عدالت بین دانش - آموزان و عدم کتمان علم از منظر فقه مورد تأکید است.

در این جا مناسب است یادآوری شود که تحقق معیارهای ارزیابی به‌عنوان شرط لازم تصدی معلمی امری لازم است مستمر باشد نه موقتی؛ بنابراین، این ملاک‌ها در تربیت و ارزیابی معلمان مورد توجه بوده و در صورت فقدان شرایط در معلم در حین تصدی این شغل، لازم است این مساله مورد اهتمام و پیگیری مسئولین مربوطه قرار گیرد. با این وصف پیشنهاد می‌شود ملاک‌ها اولویت بندی و درجه بندی شده به‌نحوی که تعیین گردد که فقدان برخی از ملاک‌ها یا درجاتی از آن‌ها در هر یک از معلمان موجب سلب تصدی این مقام شود و در صورت فقدان برخی دیگر یا درجات پایین‌تر برخوردهای اصلاحی مناسب صورت گیرد.

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن سعد - محمد بن سعد بن منیع -، الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله،

قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴.

۳. ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، عبدالسلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات

اسلامی، ۱۴۰۴ق.

۴. اعرافی، علی‌رضا، فقه تربیتی، ج ۱، آداب مشترک تعلیم و تعلم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۵.
۵. اعرافی، علی‌رضا، فقه تربیتی، ج ۷، آداب مشترک تعلیم و تعلم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶.
۶. اعرافی، علی‌رضا، فقه تربیتی، ج ۲۶، وظایف حکومت در تعلیم و تربیت، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۹.
۷. اعرافی، علی‌رضا، فقه تربیتی، ج ۸، آداب تعلم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۴۰۰.
۸. پورعلی، نسرین و اکبرپور زنگلانی، محمدباقر، «بررسی ویژگی‌های معلم اثربخش در نظام آموزه‌های اسلامی»، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش، تهران، ۱۳۹۹.
۹. ترکاشوند، سینا؛ کشاورز، سوسن؛ اکبر، صالحی و محمدحسن میرزاحمدی، «ارائه الگوی نظری عدالت تربیتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت‌شناختی عدالت فارابی»، مسایل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۷.
۱۰. جبل عاملی، زین‌الدین بن علی، منیه‌المیرید فی آداب‌المفید و المستفید، جلد اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق؛
۱۱. حسینی‌زاده، سیدعلی، «اصل تربیت اسلامی چیست: عدالت یا مساوات؟»، مطالعات فقه تربیتی، دوره ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال حدیث، قم: مؤسسه الخویی الإسلامية، ۱۴۱۸.
۱۳. داودآبادی، محسن، الگوی آموزش عالی در فقه تربیتی، پایان‌نامه دکتری فقه تربیتی، جامعه المصطفی‌العالمیه (ص)، ۱۳۹۹.
۱۴. داودآبادی، محسن، مهدی رعایایی و مجید طرقی اردکانی، بررسی قاعده فقهی عدالت در ارزش‌یابی آموزشی (با تأکید بر آموزش عالی)، نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۸۹، زمستان ۱۴۰۰.

۱۵. دانش‌پژوه زهرا و فرزاد، ولی اله، ارزش‌یابی مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی، نشریه نوآوری‌های آموزشی، دوره ۵، شماره ۱۸، ۱۳۸۵.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۱۷. دیالمه، نیکو، «شناسایی مؤلفه‌های شایستگی اساتید اثربخش از منظر آموزه‌های اسلامی (روی‌کردی به دانشگاه انقلاب اسلامی)، مدیریت در دانشگاه اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، چهارم، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۸.
۱۹. سلطانی، مسعود، ارزیابی عمل‌کرد: شاخص‌های ارزیابی، شناسایی نواقص، اجتناب از خطاهای مرسوم، تهران: آریانا قلم، ۱۴۰۰.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۳۶۸.
۲۱. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، دوم، ۱۳۷۸.
۲۲. عاملی، زین الدین بن علی، شهید ثانی، تصحیح رضا مختاری، منیة المرید فی أدب المفید و المستفید، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۲۳. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۲۴. فوادیان دامغانی، رمضان، سیمای عدالت در قرآن و حدیث، قم: لوح محفوظ، ۱۳۸۲.
۲۵. کافمن راجر و هرمن جری، برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی، ترجمه: دکتر فریده مشایخ و دکتر عباس بازرگان؛ انتشارات مدرسه، چهارم، ۱۳۸۷.
۲۶. لشکری، علی‌رضا، مبانی عدالت اجتماعی در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
۲۷. لوئیس معلوف، المنجد: فی اللغة، تهران: ذوی القربی، سی و هفتم، ۱۳۸۰.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار: الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۹. محمدی ری‌شهری محمد، میزان الحکمه، ج ۱۲، تهران، درالحدیث، ۱۳۸۴ش.

۳۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۳۱. مظاهری حسین، *ویژگی های معلم خوب*، چ ۱۰، قم: نشر اخلاق، ۱۳۸۸.

۳۲. مولودی، حسین، علی رضا اعرافی؛ *مجید طرقي، بررسی قاعده فقهی علم نافع در تعلیم و تعلم، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۹۷، شماره ۱۰: ۱۶۲-۱۳۷، ۱۳۹۷.

۳۳. میرزامحمدی، محمد حسن؛ *فرمehنی فراهانی، محسن؛ یوزباشی، علی رضا و زرین، لیلّا، «شناسایی و اعتبارسنجی شاخص های استاد مطلوب دانشگاه اسلامی - ایرانی»*، نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، زمستان ۱۳۹۲، دوره ۳، شماره ۹، صص ۵۶۳-۵۸۴.

۳۴. نراقی، ملا احمد، *معراج السعاده*، چ ۱۰، تهران: انتشارات دهقان، ۱۳۹۶.

۳۵. نویدی نیا حسین، کیانی غلامرضا، اکبری رامین، غفار ثمر رضا «*طراحی شناسایی ملزومات و اجزای الگویی برای ارزش یابی معلمان زبان انگلیسی در دبیرستان های ایران*» نشریه: *جستارهای زبانی*، دوره: ۶، شماره: ۲ (۲۳) صص: ۲۳۵-۲۶۶، ۱۳۹۴.

۳۶. واعظی، احمد، نقد و بررسی نظریه های عدالت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.

۳۷. واعظی، سید حسین و مؤذنی، پونه، «*شمول قواعد فقه اسلامی در حقوق معلم و متعلم*»، نشریه پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۳.

۳۸. ورام بن ابی فراس، *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)* قم: مکتبة الفقیه، ۱۴۱۰ق.

۳۹. وقور کاشانی، مهدیه سادات؛ حاجی حسین نژاد، غلام رضا؛ موسی پور، نعمت الله؛ ابراهیم زاده، عیسی؛ *طراحی و اعتباریابی مدل مفهومی ارزش یابی صلاحیت های حرفه معلمی در ایران*، نشریه علوم تربیتی، شماره ۱۰۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

۴۰. سایت مرکز پژوهش های مجلس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show۹۲۵۴۱>